



کوروش الماسی

محقق و پژوهشگر

بر بیراه نیستست اگر بگویم وجود پر تعداد احزاب در کنار زیست پر چالش بسیاری از شهروندان یک تناقض است. این موج تلاش دارد تا به نکاتی که ریشه ناکارآمدی احزاب در بهبود شرایط بر چالش شهروندان، از طریق اعمال نفوذ و قدرت بر نهادهای تصمیم ساز و تصمیم گیر، تلقی می شود، اشاراتی کلی و مختصر کند. احزاب کاغذی بدین معنی است که اعراب حضور اسمی و نه کاربردی در عرصه فعل و انفعالات سیاسی دارند. به عبارتی احزاب صرفا به عنوان جوهری که روی مدارکی که در بایگانی وزارت کشور وجود دارد، موجودیت دارند و عملا، هیچ فعل سیاسی به معنی تاثیر گذاری بر فرایندهای تصمیم سازی و تصمیم گیری انجام نمی دهند. تبیین بسیار کلی و مختصر از فلسفه فعالیت حزبی ارائه می شود. فعالیت حزبی «شکل سازمان یافته سیاسی، حقوقی، اجتماعی و متمدنانه»، تلاش شهروندان (انسان ها) برای بهبود زیست خود است. حفظ بقا و تلاش برای زیستی همراه با امنیت، یک امر ذاتی است. بنابراین، تلاش برای رهایی از فقر، ناامیدی، عذاب، بی رحمی، خضونت، آینده مبهم و... یک حق فرا قانونی و فراسیاسی برای هر شهروند است. به عبارتی، تلاش انسان ها به منظور تحقق امنیت، آرامش، رفاه، امید، شادی و... مقدم بر هر نوع شکل اداری، ساختار سیاسی و حقوقی است، چرا که کدام ذهن انسانی می تواند بپذیرد که حفظ بقا مقدم بر هر اندیشه، اعتقاد و قانون زمینی و آسمانی نیست. به منظور کاربردی شدن و موثر بودن دغدغه مندان اجتماعی، ملی و انسانی در عرصه های گوناگون، فعالان حزبی به ضرورت باید راهکارهای مورد نیاز برای تاثیر گذاری بر فرایندهای تصمیم ساز و تصمیم گیر کلان را از «حقانیت ذاتی تلاش انسانی برای حفظ و کیفیت بقا و نظم موجود»، جست و جو کنند. اگر بپذیریم که فعالیت حزبی، سامان دادن «تلاش ذاتی انسان ها» در قالب های سیاسی و حقوقی است، آنگاه، این نظر که در شرایط موجود فعل سیاسی خاصی توسط احزاب ممکن نیست و اینکه تنها باید در صحنه حضور داشته باشیم تا فرصت مناسب برای فعال شدن فراهم آید، به دو دلیل، نه کاربردی و نه اخلاقی است. نخست اینکه؛ حضور اسمی در صحنه سیاسی به معنی ائتلاف و انحراف برخی نیروهای فعال است. نکته دوم اینکه؛ صحنه گردانان عرصه سیاسی به غیر خودی ها و فرصت طلب ها اجازه بهره برداری از شرایط جدید را نمی دهند. اینکه، به گواه تجربیات فراوان، احزاب دارای «ریشه های اجتماعی و ملی»، حتی در شرایط بسیار دشوار توانایی تدبیر راهکارها، طرح ها و برنامه ریزی برای اهداف اجتماعی و ملی را خواهند داشت. گرچه بسیاری با این ادعا مخالف خواهند بود، اما بیشتر احزاب فاقد اهداف اجتماعی و ملی و در نتیجه فاقد برنامه هایی برای پرداختن به انبوه و انواع چالش های اجتماعی و ملی هستند. بیشتر احزاب به منظور «مشارکت» و «نه متحول کردن ساختار قدرت» در راستای منافع ملی، ایجاد شده اند. به عبارتی پیگیری اهداف فردی یا گروهی یکی از اصلی ترین دلایل انفعال و حاشیه نشین شدن بیشتر احزاب کاغذی است. یک حزب (تشکل) سیاسی که صادقانه نماینده و پیگیر مطالبات شهروندان (منافع ملی) باشد، صرف نظر از شرایط دشوار اجتماعی یا مخالفت صاحبان قدرت قابل حذف یا منغفل شدن نخواهد بود. عملکرد تشکیلاتی (حزبی) معنادار و کاربردی باید متکی بر تلاش ذاتی انسان ها برای حفظ بقا (انواع نیازهای عینی انسانی و اجتماعی) و نه ساز و کار نظم موجود بنا شود. بنابراین، تناسب نوع و چگونگی رفتار (حزبی) با شرایط عینی، (نظم غیر کاربردی) شرط کارآمدی سیاسی احزاب است.

ادامه از صفحه اول / خوش کنیم. ما که به دنبال نیت خوانی از صداقت کشورها در همکاری با ایران نیستیم، چون اگر این نگاه، مبنای روابط خارجی ایران باشد که باید به حال ایران تنگم. خود، اما برای پاسخ روشن و صریح در خصوص میزان صداقت شرق و همچنین میزان تمایل روسیه و چین برای همکاری با ایران به ذکر خاطره یکی از دوستان نماینده مجلس بسنده می کنم که عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی یکی از ادوار مجلس شورای اسلامی بود. وی در سفر هیات ایرانی متشکل از وزارت امور خارجه و برخی از اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی به چین و گفت و گو با طرف پکنی حضور داشت و اینگونه تعریف می کرد که در آن مذاکرات، چینی ها عنوان کرده بودند که شما (ایران) باید مشکل و چالش تان را با ایالات متحده امریکا حل کنید تا مسیر تعمیق و گسترش روابط مناسبات تجاری و اقتصادی بین تهران و پکن بر طرف شود که همان جاترף ایرانی عنوان داشت اگر ما مشکل مان را با آمریکا حل کنیم دیگر به امثال شما و یا روسیه نیاز نداریم. حال اینکه در این شرایط تحریمی واقعا تا چه اندازه چین یا روسیه می توانند دلیل سند همکاری را ببرد یا ایران همکاری کنند جای سوال فراوان دارد، چون حداقل اطلاع دقیقی از جزئیات این سند همکاری راهبرد ایران با چین و روسیه ندارم. یکی از انتقادات وارد شده در دولت روحانی و همچنین در دولت رئیسی مسئله عدم افشای جزئیات سند همکاری راهبردی ۲۵ ساله ایران و چین و سند همکاری راهبردی ایران و روسیه است. در حالی که اگر به سند مودت ایران و آمریکا در ۱۹۵۵ رجوع کنیم، می بینیم که چون مجلسین ایران و آمریکا این سند مودت را به تصویب رساندند همه جزئیات آن در اختیار همگان قرار گرفت. یعنی جزء به جزء این سند در دسترس همه افراد است، چون به هر حال در کنگره آمریکا هیچ سندی به تصویب نمی رسد مگر اینکه جزئیات آن در اختیار همه قرار بگیرد. اکنون آن سند کماکان به قوت خود بایرجاست و اگر هم به سایت وزارت امور خارجه مراجعه کنید این سند با تمام جزئیات، مفاد، بندها، و حتی الحاقات بعدی آن در دسترس است، اما به واقع هیچ کس اطلاع دقیقی از جزئیات سند همکاری های ۲۵ ساله راهبردی ایران و چین و یا ایران و روسیه ندارد. حال اینکه چرا جزئیات هر دو سند به رسانه ها و افکار عمومی، هم در دولت روحانی و هم در دولت رئیسی داده نمی شود جای سوال و انتقاد دارد و این ظن را تقویت می کند که نکند در چارچوب این دو سند شاهد استعمار و استعمار توسط چینی ها و روس ها باشیم.

اصولگرایان با برجام احیا می شوند؛ اگر...

استیضاح وزرا مشکلات مردم را حل نمی کند

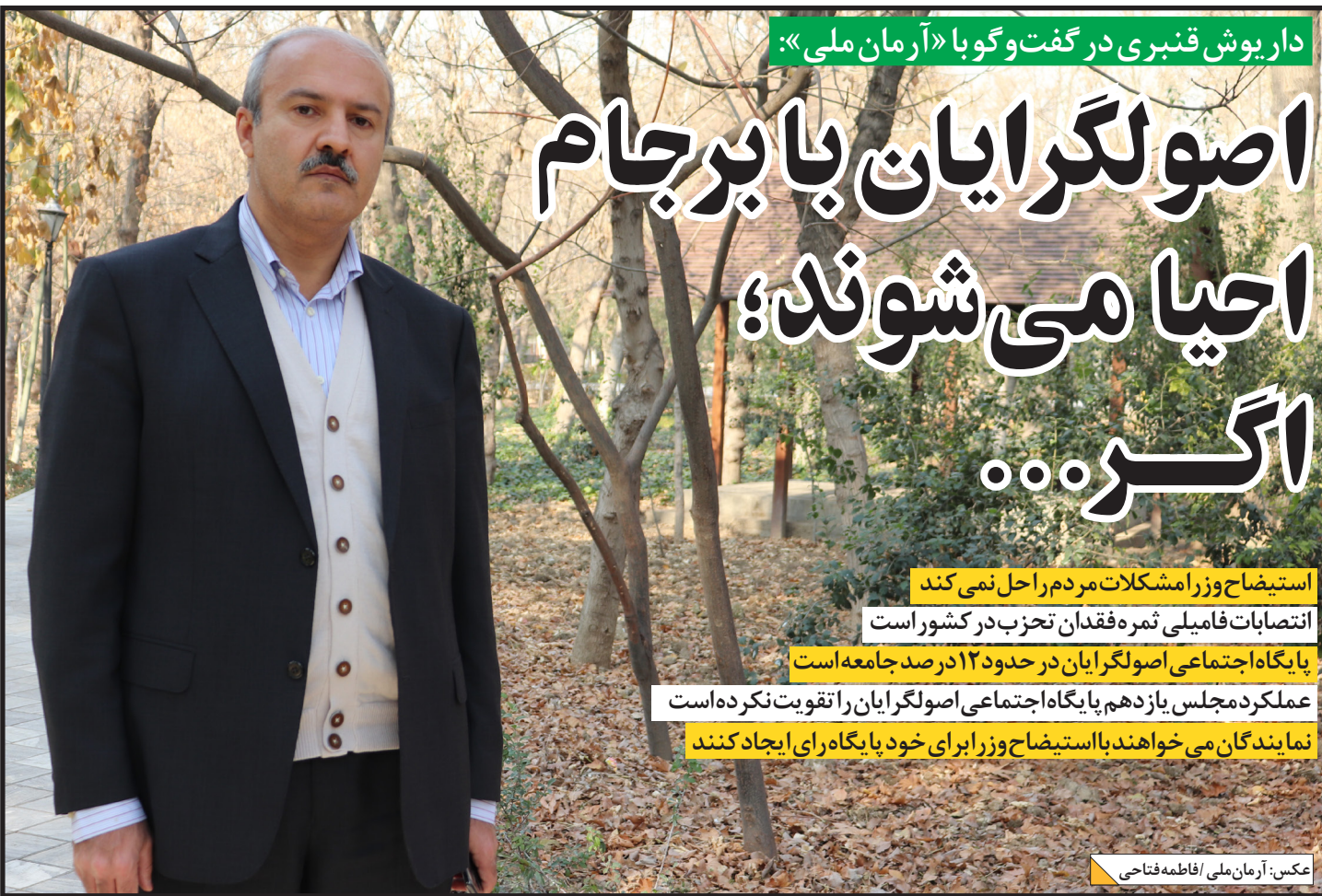
انتصابات فامیلی ثمره فقدان تحزب در کشور است

پایگاه اجتماعی اصولگرایان در حدود ۱۲ درصد جامعه است

عملکرد مجلس یازدهم پایگاه اجتماعی اصولگرایان را تقویت نکرده است

نمایندگان می خواهند با استیضاح وزرا برای خود پایگاه رای ایجاد کنند

عکس: آرمان ملی / فاطمه فتاحی



آرمان ملی - احسان انصاری: اغلب اصولگرایان در رقابت های انتخابات مجلس و ریاست جمهوری عنوان می کردند که با انتصابات فامیلی مخالف هستند و اجازه نمی دهند انتصابات فامیلی در دوران مدیریت آنها وجود داشته باشد. با این وجود میزان انتصابات فامیلی در دولت سیزدهم و در بین اصولگرایان بیش از گذشته بوده و مورد توجه افکار عمومی قرار گرفته است. از سوی دیگر زعمه هایی مبنی بر استیضاح برخی وزرای دولت به گوش می رسد که هنوز به صورت رسمی تأیید نشده است. اینکه استیضاح وزرا در شرایط کنونی به چه میزان می تواند به حل مشکلات مردم کمک کند جای تردید دارد. «آرمان ملی» برای بررسی این موضوعات با دکتر داریوش قنبری فعال سیاسی اصلاح طلب گفت و گو کرده است. این نماینده سابق مجلس معتقد است: «واقعیت این است که نمایندگان مجلس اصولگرا شعارها و وعده هایی به مردم داده اند که تاکنون هیچ کدام از این وعده ها تحقق پیدا نکرده است. به همین دلیل این احزاب وجود دارد که نمایندگان با استیضاح چند نفر از وزرا شرایط را به شکلی در افکار عمومی جلوه بدهند که مقصر این ناکامی ها برخی از وزرا هستند و به این شکل پایگاه اجتماعی خود را تقویت کنند. این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که در سال ۱۴۰۱ مجلس باید بیلان کاری خود را ارائه بدهد تا نمایندگان بتوانند در انتخابات مجلس در سال ۱۴۰۲ حضور پیدا کنند. در نتیجه این احتمال وجود دارد که نمایندگان قصد داشته باشند در مدت باقی مانده با استیضاح برخی وزرای دولت توجه افکار عمومی را به خود جلب کنند و برای خود در حوزه انتخاباتی خود پایگاه رای ایجاد کنند.» در ادامه ماحصل این گفت و گو را می خوانید.

و ناتوانی یک مدیر بیشتر مشخص خواهد بود. به همین دلیل من معتقدم در شرایط کنونی استیضاح وزرا نمی تواند مشکلی از مشکلات کشور را حل کند و بلکه ممکن است چالش های جدیدی نیز به همراه داشته باشد. این کار تنها می تواند برای برخی از نمایندگان کارکرد تبلیغاتی داشته باشد.

❖ یکی از نکاتی که در بین افکار عمومی مورد توجه قرار گرفته افزایش انتصابات فامیلی در دولت و در بین اصولگرایان است. این در حالی است که اغلب اصولگرایان در رقابت های انتخاباتی رویکردی مخالف انتصابات فامیلی داشتند. دلیل این انتصابات چیست و چه پیامدهایی برای اصولگرایان خواهد داشت؟

انتصابات فامیلی تا حدودی در دولت های گذشته نیز وجود داشته است. با این وجود به اندازه ای که امروز مورد توجه افکار عمومی قرار گرفته نبوده است. در دولت روحانی اغلب اعضای کابینه از حلقه نزدیک ایشان در مرکز تحقیقات استراتژیک بودند. این وضعیت درباره دولت احمدی نژاد شدت بیشتری داشت. برادر آقای احمدی نژاد و بسیاری از نزدیکان و بستگان وی در زمانی که به ریاست جمهوری رسید در پست های مختلف مشغول به کار شدند. کسانی که در دولت احمدی نژاد بودند از جمله همکاران ایشان در شهرداری تهران و دانشگاه علم و صنعت بودند. در نتیجه انتصابات فامیلی تنها مختص به دولت رئیسی نیست و بلکه در دولت های دیگر نیز وجود داشته است. دلیل اصلی این اتفاق نیز ضعف احزاب و فقدان تحزب در کشور است. در سال های اخیر دو جریان سیاسی کشور اعم از اصولگرایان و اصلاح طلبان توجه جدی به احزاب نداشته اند. این کم توجهی در هر دو جریان وجود داشته و تنها مختص به اصولگرایان نیست. البته در این مدت نیروهای حزبی خوبی در کشور وجود داشتند که به دلایل مختلف مورد استفاده قرار نگرفتند. به عنوان مثال آقای روحانی به خوبی از این نیروها در دولت خود استفاده نکرد. این اتفاق در حالی رخ داد که پایگاه اجتماعی دولت آقای روحانی احزاب قوی و تاثیر گذاری وجود داشتند که در صورتی که در دولت مورداستفاده قرار می گرفتند می توانستند خدمات زیادی برای جامعه باشند. از برخی از این افراد استفاده شد تا نمونه بارز آن آقای جهانگیری به عنوان یکی از چهره های شاخص حزب کارگزاران سازندگی بود. جهانگیری در دولت اول روحانی نقش مؤثری در مدیریت کشور داشت. متأسفانه این وضعیت در دولت دوم وجود داشت و نقش آقای جهانگیری در تصمیم گیری ها و تصمیم سازی ها تا حدودی نسبت به دولت یازدهم کاهش پیدا کرد که

این موضوع در عملکرد کلی دولت بی تأثیر نبود. اشتباه آقای روحانی در دور دوم ریاست جمهوری خود این بود که اختیارات بیشتری به رئیس دیوان خود داد و اختیارات آقای جهانگیری را تا حدودی کم ترگرت کرد. با همه این شرایط اگر مدیریت خوب آقای جهانگیری نبود با توجه به تحریم ها ایران می توانست وضعیت شبیه به ونزوئلا داشته باشد. در دولت آقای رئیسی نیز تا حدود زیادی بی توجهی به رویکرد حزبی وجود دارد. حتی اگر فرض بگیریم که دولت قصد نداشت از احزاب اصلاح طلب استفاده کند در بین احزاب اصولگرایان نیز احزابی وجود داشت که می توانست برای عبور از چالش های موجود کمک مؤثری به دولت کند که دولت از این احزاب نیز بهره نبرده است. نمونه بارز این احزاب جامعه مهندسین است که از تکنوکرات های اصولگرا تشکیل شده که دارای رویکرد توسعه محور هستند و می توانستند به دولت با توجه به مشکلات کمک کنند. نکته مهم اینکه با توجه به ضعف احزاب در کشور کادر سازی های لازم نیز برای مدیریت کشور صورت نگرفته است و این موضوع در بین دو جریان سیاسی کشور اعم از اصولگرا و اصلاح طلب وجود دارد. اگر احزاب کشور تقویت می شدند و کادر سازی در دستور کار آنها قرار می گرفت امروز با برخی چالش های

مدیریتی مواجه نبودیم. این مشکل نیز به دلیل فقدان احزاب تأثیر گذار و قوی در کشور به وجود آمده است.

❖ احیای برجام می تواند شانس موفقیت دولت را افزایش بدهد. نکته دیگر اینکه در صورت احیای برجام و برداشته شدن تحریم ها اگر دولت مدیریت خوبی بر وضعیت جامعه داشته باشد و بتواند مشکلات را حل کند و مشکلات همچنان وجود خواهد داشت. اگر تحریم ها برداشته شود و شرایط کشور عادی شود شرایط عادی باشد توانایی

ادامه از صفحه یک / یا اقدامات کشورهای ثالث قرار نگیرد و براین اساس ایران و روسیه می توانند در بلندمدت و در یک چشم انداز ده ساله بر روی مناسبات مشترکی حداقل ۳۰ تا ۵۰ میلیارد دلار توافق کنند. اما موضوع دیگر به انتظاری که از سطح مناسبات می شود، ارتباط دارد. انتظار می رود که روسیه بالاترین سطح مناسبات اقتصادی، دفاعی با ایران را داشته باشد. به عنوان مثال تجربه اس ۳۰۰ از لحاظ مناسبات دفاعی و تجربه نیروگاه بوشهر از لحاظ مناسبات اقتصادی نشان داد که روس ها سطح اول مناسبات جهانی را در قبال ایران اعمال نمی کنند. روس ها حاضر شدند اس ۴۰۰ را حتی با التماس و اصرار به یکی از متحدان آمریکا به اسم ترکیه بفروشد ولی حاضر نشدند یک سطح پائین تر از آن یعنی اس ۳۰۰ را به راحتی به ایران بدهند و بعد از مدت ها تاخیر و به اصطلاح منت گذاری سرانجام اس ۳۰۰ را ایران دادند. ضمن اینکه کمتر پروژه ای در دنیای امروز مثل نیروگاه هسته ای بوشهر می بینیم که این همه تاخیر در آن صورت بگیرد، تاخیری که هزینه عمده آن توسط ایران پرداخت شد. لذا انتظاری که وجود دارد اینکه موافقتنامه های تازه ای که بین ایران و روسیه شکل می گیرد، در عمل سطح اول همکاری ها بین ایران و روسیه در آن دیده شود. موضوع اساسی دیگر اینکه همان گونه که روسیه نوعی تکثر گرایی منفعت محور در سیاست خارجی را براساس منافع ملی دنبال می کند، انتظار می رود که روابط ایران و روسیه هم مانع کثرت در سیاست خارجی ایران نشود. مثال آن برجام است که گسترش روابط با روسیه نباید منجر به کاهش میل تنش زدایی ایران با غرب شود. برجام مهم ترین نمونه این موضوع است. واقعیت این است که رفتار روسیه در قبال اعضای برجام تا احیای برجام رفتار روشنی برای ایرانی ها نیست و انتقادات جدی به رفتار روسیه وارد است. ایران نباید تنش زدایی در قبال کشورهای غربی به ویژه تنش زدایی جهانی خودش را منوط به نظر روس ها کند. انتظاری که بعضا نزد روس ها مشهود است، نوع رفتاری که آقای پوتین با آقای قالیباف، رئیس مجلس ایران نشان داد و عدم پذیرش ایشان که حامل نامه مقام رهبری بود، نشان دهنده یک دیدی بود که در شان ملت و دولت ایران نبود. واقعیت این است که جمهوری اسلامی ایران همچون هر کشور دیگری حق دارد که روابط متکثری در سیاست خارجی داشته باشد و با کشورهای مختلف دنیا رابطه برقرار کند. عصر روابط راهبردی سیری شده است. الان کشورها براساس منافع ملی رابطه برقرار می کنند. بنابراین انتظار این است ضمن اینکه ایران با روسیه مناسبات خود را گسترش می دهد، در عین حال تنش زدایی در قبال غرب و حتی تنش زدایی در قبال آمریکا را هم در پیش بگیرد. موضوع بعدی به نوع رابطه با آمریکا مربوط می شود. آمریکا دشمن اصلی ایران و روسیه است ولی نوع تعریفی که روسیه از این دشمنی کرده، با نوع تعریف ایران متفاوت است. به نظر می رسد روس ها تعریف زیرکانه ای کردند که طبق این تعریف عملام منافع خودشان را پیش می برند و هم از فرصت های که به خاطر تنش ایران و آمریکا وجود دارد، بیش ترین استفاده را می برند. برای مثال همین که روس ها توانستند فرصت ایران در انتقال انرژی به اروپا را بر بایند، فرصتی که در ابتدای دهه ۱۹۹۰ مطرح شد که ایران گاز را از مسیر ترکیه به اروپا صادر کند، به خاطر تنش های فزاینده ایران با غرب عملا این روسیه بود که این فرصت را ربود و این یک مصداق خوبی در این مناسبات است. روسیه ضمن اینکه تنش های خودش را با کشورهای غربی دارد، یک حوزه مشترک المنافع را در حوزه اقتصادی تعریف کرده و اقتصاد خودش را از بحران دهه ۱۹۹۰ میلادی نجات داده ولی جالب اینکه برعکس اقتصاد ایران در طول این مدت، کاملا به دلیل تنش های خارجی، کشور دچار بحران های مختلف شده و حتی بخش عمده ای که در فسادهای اقتصاد ایران وجود دارد، ناشی از کاسیو تحریم و عدم شفافیت و به ویژه امنیتی کردن مناسبات اقتصادی کشور است که خیلی از افراد و محافل سعی می کنند کماکان روابط خارجی ایران دچار بحران امنیتی باشد و از این طریق نوعی عدم شفافیت و سوء استفاده ناشی از این تنش های امنیتی را داشته باشند. در صورتی که طرف روسی به خوبی نه تنها مناسبات اقتصادی خودش را با غرب پیش برد بلکه بسیاری از فرصت های ایران را هم ربود و در شرایط سخت حاضر نشد که حتی بعد از خروج ترامپ از برجام روزانه صدها میلیارد نفت ایران را به قیمت دلخواه خود روس ها یعنی با تخفیف حاکمتری بخرد. بنابراین معتقدم در طرف دیگر ایران یک نگاه ژئوپولیتیکی با آمریکا و غرب دارد و این باعث شده نوع نگاه به دشمن نزد دو طرف متفاوت باشد. جالب اینکه روس ها همواره سعی کردند با نگاهی خاکریز گونه ای به ایران، کماکان محدود در همین نگاه جزم گرانه در سیاست خارجی باشد. بنابراین اگر قرار است ایران و روسیه با راهبرد دشمنی با آمریکا را شکل دهند، باید هزینه ها و منافع این نوع رفتار به صورت مشترک توزیع شود نه اینکه هزینه های این دشمنی را ایران بپردازد ولی سود آن عاید روسیه شود. برجام و اوکراین یک مصداق و دو پرونده روی میز در شرایط کنونی در این رابطه به حساب می آیند.